Theology Studies

Print ISSN: 2981-0450
Online ISSN: 2981-054X

Journal Homepage: https://kalampajouhi.whc.ir

A Critical Analysis of Heinz Halm's Views on the Imamate in Shiism

Nasrin Ansarian [1], Maryam Shahali ✉ [2]

1. Level 3 Instructor and Researcher, Jamiat al-Zahra (SA); Graduate of Level 4 Seminary Studies, Qom, Iran. Email: nasrin.ansarian@yahoo.com
2. Corresponding Author; Level 4 Seminary Student in Comparative Qur'anic Exegesis, Jamiat al-Zahra (SA), Qom, Iran. Email: m93.shahali@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 27 August 2025
Received in revised form 21 January 2026
Accepted 22 February 2026
Available online 6 September 2026

Keywords:
Imamate, Shia ,Orientalists, Heinz, Halm,

ABSTRACT

The Imamate is a central tenet of Shiʿi belief, grounded in both rational arguments and scriptural evidence. In his book Shiism, the German orientalist Heinz Halm examines various Shiʿi doctrines, including the Imamate. Given the growing attention to contemporary orientalist scholarship among researchers in Islamic studies, a critical examination of Halm's account can help clarify the doctrinal foundations of Imami Shiʿism. Accordingly, this study addresses the following question: How can Heinz Halm's views on the Imamate in Shiism be critically assessed? Drawing on library-based research and employing a descriptive-critical method, the study identifies several problems in Halm's interpretation of the Imamate. Regarding the general doctrine of the Imamate (al-imāma al-ʿāmma), Halm reduces it to a purely sociopolitical phenomenon, restricts its purpose to opposition to ruling authorities, and presents the Imam as merely a political leader. Regarding the particular doctrine of the Imamate (al-imāma al-khāṣṣa), Halm's account overlooks the principle of divine appointment, questions the explicit designation (naṣṣ) of each Imam, and suggests that belief in the twelve Imams emerged gradually within the early Shiʿi community. The study concludes that his treatment of both the general and particular doctrines of the Imamate is open to substantive criticism. It argues that his interpretations can be challenged through rational arguments, decisive evidence from authoritative Islamic sources—particularly the Qurʾan and authentic Prophetic traditions—and a rigorous assessment of historical reports. Taken together, these sources affirm the divinely instituted character of the Imamate and its foundational role in Imami Shiʿi theology.

Cite this article: Ansarian, N. Shahali, M (2026). A Critical Analysis of Heinz Halm's Views on the Imamate in Shiism. *Theology Studies*, *9*(5), 73-89. http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2026.1637.1197

© The Author(s) retain the copyright. **Publisher**: Noor-al-Zahra Higher Education Institute.
DOI: http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2026.1637.1197



کلام پژوهی

شاپای چـــاپی: 2981-0450

شاپای الکترونیکی: 2981-054X

Journal Homepage: https://kalampajouhi.whc.ir

نقد تحلیلی دیدگاه هاینس هالم درباره امامت در کتاب «تشیع»

نسرین انصاریان [۱]، **مریم شاه علی** ✉ [۲]

۱. مدرس سطح ۳ و پژوهشگر جامعه الزهرا (س)، دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه، قم ایران. رایانامه: nasrin.ansarian@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی جامعه الزهرا س)، قم، ایران. رایانامه: m93.shahali@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی،

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۶/۱۵

کلیدواژه‌ها:

امامت؛ شیعه؛ مستشرقان؛ هاینس هالم.

چکیده

امامت از اصول اعتقادی شیعه است که با ادله عقلی و نقلی به اثبات می‌رسد. هاینس هالم، مستشرق آلمانی، در کتاب «تشیع»، دیدگاه‌های شیعه را مطالعه کرده است و یکی از مباحثی که به آن پرداخته، مسئله امامت است. با توجه به اینکه پژوهش‌های مستشرقان در عصر حاضر مورد مطالعه و استناد برخی از پژوهشگران علوم اسلامی قرار می‌گیرد، بررسی دیدگاه‌های هالم درباره امامت و نقد تحلیلی آن‌ها، به‌منظور آشنا ساختن پژوهشگران با مبانی فکری امامیه، اهمیت دارد. ازاین‌رو، پرسش اصلی نوشته حاضر این است: «چه نقدهایی بر دیدگاه هاینس هالم درباره امامت در کتاب "تشیع" وارد است؟» این پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پردازش مطالب به روش توصیفی ـ انتقادی، نشان می‌دهد که هالم در بحث امامت عامه، امامت را به پدیده‌ای سیاسی ـ اجتماعی تقلیل می‌دهد، اغراض آن را به مقاومت در برابر حکومت‌های وقت محدود می‌کند و ویژگی‌های امام را تا حد رهبری سیاسی فرومی‌کاهد. در بحث امامت خاصه نیز انتصاب الهی و معرفی امام را نادیده می‌گیرد و اعتقاد به امامان دوازده‌گانه را تدریجی می‌داند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این دیدگاه‌ها در حوزه امامت عامه و خاصه، بر اساس دلایل عقلی، نقلی و تاریخی، قابل نقد و بررسی‌اند.

استناد: انصاریان، نسرین؛ شاه علی، مریم (۱۴۰۵). نقد تحلیلی دیدگاه هاینس هالم درباره امامت در کتاب «تشیع». *کلام پژوهی*، ۹(۵)، ۸۹-۷۳.
http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2026.1637.1197

ناشر: مؤسسه آموزش عالی نورالزهرا(س) زنجان.

© نویسندگان.

http://dx.doi.org/10.22034/kalam.2026.1637.1197

مقدمه

امامت یکی از اصول اعتقادی مذهب شیعه است. شیعه اثناعشری به امامت دوازده امام پس از پیامبر اسلام (ص) اعتقاد دارد و متکلمان شیعه برای اثبات این اصل، دلایل عقلی و نقلی فراوانی ارائه کرده‌اند. اهمیت امامت در اندیشه شیعی موجب شده است که این موضوع از جنبه‌های مختلف بررسی شود.

در دوران متأخر، مستشرقان در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. یکی از حوزه‌های مطالعاتی دانشمندان غربی و غیرمسلمان، «شیعه‌پژوهی» است. شاید بتوان گفت نخستین پژوهش جدی و علمی در زمینه مطالعات شیعی در قرن نوزدهم، توسط گلدزیهر (Ignác Goldziher) انجام شد و پس از وی، سایر خاورشناسان آن را ادامه دادند. این پژوهش‌ها، به‌دلیل احتمال ناآشنایی با مبانی اسلامی، استفاده از منابع نامعتبر و گاه تأثیرپذیری از پیش‌فرض‌های غیرعلمی، نیازمند نقد و واکاوی دقیق‌اند.

از جمله مستشرقان برجسته، هاینس هالم (Heinz Halm)، اسلام‌پژوه و شیعه‌شناس آلمانی در اواخر سده بیستم میلادی، است. وی پژوهش‌های چشمگیری درباره تشیع، به‌ویژه شکل‌گیری عقاید و تحولات تاریخی آن، انجام داده است. مطالعات اسلام‌شناسانه او درباره تاریخ اسلام در خاورمیانه، بر تاریخ شیعه نخستین، اسماعیلیه و دیگر فرقه‌های شیعه متمرکز است. هالم از شاگردان آنماری شیمل (Annemarie Schimmel) است و در سال ۱۹۸۰م به‌عنوان استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه توبینگن (Tü bingen) منصوب شد (موسوی و بهشتی مهر، ۱۳۹۹ش، ش ۷۲، ص ۸۵). از مهم‌ترین آثار وی، کتاب «تشیع» است.

هالم در کتاب «تشیع»، با رویکردی تاریخی، سیاسی و اجتماعی، تلاش می‌کند مخاطب را با فرقه‌های مختلف شیعه آشنا سازد. این کتاب در پنج بخش تنظیم شده است: ۱. منشأ شیعه؛ ۲. امامیه یا شیعه دوازده‌امامی؛ ۳. شیعه غالی؛ ۴. اسماعیلیه یا شیعه هفت‌امامی؛ ۵. زیدیه. با توجه به مباحث مطرح‌شده درباره شکل‌گیری شیعه امامیه در این کتاب و اشکالات موجود در بحث امامت، نقد و بررسی آن ضروری است.

برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در نقد کتاب «تشیع» هالم عبارت‌اند از:

۱. مقاله «نقد کتاب تشیع نوشته هالم»، نوشته سیدهادی سیدوکیلی، منتشرشده در انجمن تاریخ‌پژوهان. نویسنده، هریک از فصل‌های کتاب را به‌طور جداگانه بررسی می‌کند، تصویر شیعه از منظر هالم را تحلیل و نقد می‌نماید و به بیان نکات مثبت و منفی آن می‌پردازد.

۲. مقاله «بررسی و نقد دیدگاه هاینس هالم و اندرو جی نیومن درباره مهدویت و مسائل پیرامونی»، نوشته اصغر فروغی ابری و ندا بدیعیان فرد، منتشرشده در «پژوهش‌های مهدوی»، ۱۳۹۶ش، شماره ۲۲، صفحات ۵-۴۶. این مقاله، دیدگاه هالم و نیومن را درباره اصل اندیشه مهدویت، تولد امام مهدی (عج)، غیبت و ظهور ایشان نقد و بررسی می‌کند.

۳. مقاله «نقد و بررسی نظرات هاینس هالم درباره مهدویت»، نوشته نسیم کاوه‌ای و جواد پورروستایی، ارائه‌شده در کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی، فرهنگی و پژوهش دینی، ۱۳۹۶ش. نویسندگان، دیدگاه‌های هالم درباره مهدویت و انفصال و انقطاع در دودمان امامان شیعه را نقد و ارزیابی می‌کنند.

۴. مقاله «بررسی و نقد دیدگاه هالم در مسئله پیدایش شیعه و تشیع»، نوشته سیده منا موسوی و احمد بهشتی مهر، منتشرشده در «شیعه‌شناسی»، ۱۳۹۹ش، شماره ۷۲، صفحات ۸۳-۱۱۰. این مقاله، با تمایز نهادن میان دو اصطلاح «شیعه» و «تشیع»، دیدگاه هالم درباره پیدایش شیعه را نقد می‌کند.

۵. پایان‌نامه «ارزیابی کتاب تشیع»، نوشته نسیم کاوه‌ای هرسینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یزد، ۱۳۹۵ش. نویسنده، کتاب «تشیع» هالم را از سه منظر اعتقادی، تاریخی و سیاسی ـ اجتماعی بررسی و نقد می‌کند.

بحث مهدویت در کتاب هالم، در دو مقاله یادشده نقد شده است؛ ازاین‌رو، در پژوهش حاضر مطرح نمی‌شود. بااین‌حال، بر اساس بررسی پیشینه، نقدی منسجم و جامع درباره دیدگاه هالم در مسئله امامت، به‌استثنای مهدویت، صورت نگرفته است. نوآوری این تحقیق در آن است که اشکالات محتوایی و روش‌شناختی هالم در مسئله امامت را به‌صورت نظام‌مند بررسی می‌کند و درصدد پر کردن خلأ موجود در نقدهای پیشین است.

این پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پردازش مطالب به روش توصیفی ـــ انتقادی، ابتدا دیدگاه‌های هاینس هالم را بیان و سپس نقد می‌کند و در پی پاسخ به این پرسش است: «چه نقدهایی بر دیدگاه هالم درباره امامت در کتاب "تشیع" وارد است؟»

۱. مفهوم‌شناسی

برای روشن‌تر شدن مباحث، در این بخش به مفهوم‌شناسی دو واژه «امامت» و «مستشرق» پرداخته می‌شود.

۱ـ۱. امامت

واژه «امام» از ریشه «أمّ»، به معنای «قصد»، گرفته شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، صص ۲۲-۲۴) و به «هر چیز یا کسی که به او اقتدا شود» اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۷). برخی از لغویان، ضمن پذیرش این معنا، قید «با توجه خاص» را نیز مطرح کرده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۱۳۵). همچنین، کاربرد این واژه را اعم از اقتدا به کسی دانسته‌اند که بر صراط مستقیم است یا بر آن نیست (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۴۲۸؛ ابن‌فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۲۸).

متکلمان، معنای اصطلاحی «امامت» را چنین تعریف کرده‌اند: «امامت، ریاست عمومی در امور دین و دنیا برای شخصی از اشخاص، به نیابت از پیامبر، است». برخی، قید «لشخص انسانی» را نیز به این تعریف افزوده‌اند (حلی، ۱۳۷۰ش، شرح فاضل مقداد، ص ۴۰).

با توجه به این تعاریف، توجه به دو قید در معنای اصطلاحی امامت ضروری است: نخست، از قید «خلافة الرسول» استفاده می‌شود که امامت از توابع و شئون نبوت است و امام، وظایف پیامبر را در مقام جانشینی او بر عهده دارد؛ دوم، در توضیح قید «لشخص انسانی» بیان شده است که در زمان واحد، وجود دو امام ممکن نیست و امام باید انسان باشد؛ بنابراین، فرشته، جن، خرد بشری و مانند آن نمی‌توانند جانشین رسول خدا (ص) باشند (حسینی میلانی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۲۸۱).

۱ـ۲. مستشرق

واژه «مستشرق»، اسم فاعل «استشراق»، در باب «استفعال» و از ریشه «شرق» است. در توضیح این ریشه، معنای «حرکت از محیط خارج از محدوده» ذکر شده است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۱۶۶). در اصطلاح، «مستشرق» به کسی گفته می‌شود که به مطالعه دانشگاهی فرهنگ‌ها و زبان‌های شرقی می‌پردازد (بعلبکی، ۲۰۰۸م، ص ۸۰۲).

برای معنای اصطلاحی «استشراق»، دو معنای عام و خاص بیان شده است. در معنای عام، استشراق عبارت است از:

«مجموعه تلاش‌های علمی غربیان برای شناسایی و شناساندن کشورها و شرایط جغرافیایی، منابع، معادن، تاریخ، قومیت‌ها، زبان، ادبیات، هنر، آداب، سنن، عادات، فرهنگ، باورها، ادیان، تمدن‌ها، ویژگی‌های روان‌شناختی، حساسیت‌های روحی، ابعاد خطرناک و نقاط آسیب‌پذیر مردم کشورهای مشرق‌زمین؛ گستره‌ای که خاور دور تا خاور نزدیک، شرق دریای مدیترانه و حتی سرزمین‌های اسلامی در آفریقای شمالی و دیگر نقاط جهان را در بر می‌گیرد. این تلاش‌ها در جهت کشف ثروت‌های مادی و معنوی آنان برای تأمین منافع غربیان انجام می‌شود».

معنای خاص استشراق نیز «اسلام‌شناسی توسط غیرمسلمانان» است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۳۴). مراد از «مستشرق» در نوشته حاضر، معنای اصطلاحی خاص آن است.

۲. امامت از نظر شیعه

«امامت» از اصول اعتقادی شیعه امامیه است. متکلمان امامیه، مباحث مربوط به آن را در دو محور «امامت عامه» و «امامت خاصه» بررسی می‌کنند.

۲ـ۱. امامت عامه

در بحث «امامت عامه»، به سه موضوع «ضرورت امامت»، «اغراض امامت» و «ویژگی‌های امام» پرداخته می‌شود.

الف) ضرورت امامت

امامیه، امامت را «واجب علی‌الله» می‌داند و برای اثبات آن به قاعده «لطف» استناد می‌کند. بر اساس این قاعده، خداوند متعال، به مقتضای حکمت خود، لطف را بر خویش واجب کرده است (ابن‌نوبخت، ۱۴۱۳ق، ص ۷۵؛ حلی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۸۸؛ طوسی، ۱۴۰۶ق، صص ۲۹۷-۳۰۴؛ مجلسی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۳۶؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۹).

ب) اغراض امامت

برای امامت، دو نوع غرض عملی و علمی ذکر شده است (علم‌الهدی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۱۱؛ حلی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۹۹؛ فاضل مقداد، ۱۳۸۰ش، ص ۳۱۹). اغراض عملی شامل حفظ نظام اجتماعی، برقراری عدالت اجتماعی، تحقق بخشیدن به احکام اسلامی و اجرای حدود الهی است. اغراض علمی نیز نقل، حفظ و تبیین شریعت را در بر می‌گیرد.

اغراض علمی، در مقایسه با اغراض عملی، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا هرگونه انحراف در این حوزه، جامعه را به گمراهی و بدفرجامی سوق می‌دهد (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۴۷).

ج) ویژگی‌های امام

منزلت رفیع امامت، ویژگی‌های منحصربه‌فرد و شرایط خاصی را برای امام اقتضا می‌کند تا بتواند رسالت الهی خویش را به‌درستی ایفا نماید. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. عصمت

واژه «عصمت»، مصدر ریشه «عصم» و به معنای «منع» و «امساک» است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۳۲). در تعریف اصطلاحی آن آمده است: «عصمت، نیرویی است که انسان را از حرکت به‌سوی خطا بازمی‌دارد» (حسینی میلانی، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۳۹).

برای اثبات عصمت امام، چند دلیل عقلی مطرح شده است:

- اگر امام مصون از خطا نباشد، برای اصلاح و هدایت، به امام دیگری نیاز خواهد داشت و آن امام نیز به امام دیگری نیازمند خواهد بود. این روند به تسلسل می‌انجامد که باطل است (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۹؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۱ق، صص ۴۲۹-۴۳۰؛ طوسی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰۵؛ نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۲۲).

- امام حافظ شرع است؛ بنابراین، اگر مصون از خطا نباشد، از افزودن به شریعت یا کاستن از آن ایمن نخواهد بود (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۹؛ حلی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۸۴؛ طباطبایی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۵۵).

- اگر امام مرتکب خطا شود، دو حالت پیش می‌آید: یا نهی او از منکر واجب است یا واجب نیست. اگر واجب باشد، جایگاه رهبری او سست می‌شود و اطاعت مردم از او آسیب می‌بیند؛ اگر واجب نباشد، بطلان آن روشن است (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۹؛ نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۲۲؛ حلی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۸۴).

- وظیفه پیامبر یا امام، رساندن بشریت به کمال است و کسی که خود ناقص است، نمی‌تواند دیگران را به کمال برساند (حسینی میلانی، ۱۳۸۹ش، ص ۷۸).

۲. اعلمیت

برخی از دلایل اعلمیت امام عبارت‌اند از:

- امام، سرپرست دین و پیشوای مسلمانان است. پیشوایی فرد جاهل و ناآگاه، از نظر عقلی جایز نیست و با هدایت عمومی الهی نیز سازگار نیست (طباطبایی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۵۵).

- رسالت امام، اجرای احکام اسلام است؛ بنابراین، باید بر احکام شرعی و مصالح امت اسلامی تسلط کامل داشته باشد.

- امام باید در شناخت امور سیاسی از دیگران برتر باشد؛ زیرا قبیح است کسی که در این امور دانشی ندارد، بر مسند امامت بنشیند (علم‌الهدی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۲۹؛ طوسی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰۹).

۳. افضلیت

امام باید در صفاتی مانند علم، شجاعت و زهد، از دیگران برتر باشد. برای این امر، دلایلی ذکر شده است؛ از جمله:

- تقدیم مفضول بر فاضل، عقلاً قبیح است (ابن‌نوبخت، ۱۴۱۳ق، ص ۷۵؛ طوسی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰۷؛ نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۲۲؛ مجلسی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۳۹).

- عدل الهی با پیشوایی کسی بر فرد برتر از خود سازگار نیست (طباطبایی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۵۵).

۲ـ۲. امامت خاصه

در بحث «امامت خاصه»، به دو موضوع «تعیین امام» و «معرفی ائمه (ع)» پرداخته می‌شود.

الف) تعیین امام

در اندیشه امامیه، تعیین امام بر نصب الهی استوار است و راه شناخت این نصب، «نص» یا ظهور معجزه است (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۹۴). دلیل ضرورت نص از سوی خداوند آن است که امام باید معصوم باشد و عصمت، امری پوشیده است که جز خداوند کسی از آن آگاه نیست؛ بنابراین، نصب امام تنها از سوی او صورت می‌گیرد (حلی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۸۷؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵ق، ص ۳۳۶).

ب) معرفی امام

متکلمان امامیه معتقدند که اسامی و تعداد امامان، به تواتر از رسول خدا (ص) نقل شده است (ابن‌نوبخت، ۱۴۱۳ق، ص ۸۰). در ادامه، به دو روایت به‌عنوان نمونه اشاره می‌شود:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوَّلُهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ، وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ ـــ تَعَالَى ذِكْرُهُ ـ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا» (ابن‌بابویه، ۱۳۶۳ش، ص ۱).

«امامان پس از من دوازده نفرند؛ نخستین آنان تو هستی، ای علی، و آخرینشان قائم (عج) است که خداوند متعال به دست او، شرق و غرب زمین را فتح خواهد کرد».

«جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: لَا يَضُرُّ هَذَا الدِّينَ مَنْ نَاوَاهُ حَتَّى يَقُومَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق، ص ۱۲۱).

جابر بن سمره می‌گوید: شنیدم رسول خدا (ص) فرمودند: «کسی که با این دین دشمنی کند، به آن آسیبی نمی‌رساند تا زمانی که دوازده خلیفه قیام کنند که همگی از قریش‌اند».

۳. دیدگاه‌های هالم درباره امامت و نقد آن‌ها

هالم در کتاب «تشیع» تلاش کرده است برای برخی از باورهای امامیه درباره امامت، تحلیل‌هایی ارائه کند. در ادامه، ابتدا تحلیل‌های وی بیان می‌شود و سپس هریک از آن‌ها، با نگاهی دقیق و منصفانه، در بوته نقد قرار می‌گیرد.

۳ـ۱. دیدگاه‌های هالم درباره امامت عامه و نقد آن‌ها

الف) تقلیل امامت به پدیده‌ای سیاسی ـ اجتماعی

هالم، پیدایش تشیع و امامت را نتیجه کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی پس از پیامبر (ص) و اختلاف بر سر قدرت می‌داند. ازاین‌رو، در تحلیل او، امامت نه منصبی الهی و اعتقادی، بلکه نوعی رهبری سیاسی و اجتماعی است و وجوب آن بر خداوند مطرح نمی‌شود. او می‌نویسد:

«شیعیان در تلاش برای کسب قدرت سیاسی به‌صورت یک حزب ظهور کردند و این خصوصیت سیاسی نخستین خود را هرگز از دست نداده‌اند» (هالم، ۱۳۸۵ش، صص ۱۵-۱۶).

وی در تحلیل خود مدعی است که جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، با بحران جانشینی مواجه شد و این اختلاف، ناشی از رقابت‌های قبیله‌ای و تنش‌های اجتماعی بود، نه مسائل اعتقادی و دینی. او می‌نویسد:

«علت بروز انشعاب اولیه در اسلام که هنوز هم از میان نرفته است، در مخالفت‌ها و تنش‌هایی اجتماعی ریشه داشت» (همان، صص ۲۳-۲۵).

نقد دیدگاه

یکی از ضعف‌های اساسی تحلیل هالم، غفلت از مبانی عقلی امامت و فروکاستن ضرورت آن به اختلافات سیاسی و اجتماعی است. امامیه، با استناد به قاعده لطف، امامت را برای هدایت و کمال بشر ضروری و واجب علی‌الله می‌داند. نادیده گرفتن این مبانی، امامت را از جایگاه الهی خود به سطح منازعات تاریخی تنزل می‌دهد و تصویری از آن به‌عنوان پدیده‌ای صرفاً سیاسی ارائه می‌کند.

هالم، تعریف اولیه امامت را از کتاب‌های کلامی نخستین شیعه اقتباس کرده، اما مبانی الهی آن، مانند عصمت، علم لدنی، افضلیت و تعیین الهی، را در تحلیل خود لحاظ نکرده است. متکلمان نخستین شیعه، هرچند امامت را با تعابیری نزدیک به تعریف خلافت در کلام اهل‌سنت توصیف می‌کنند، بلافاصله بر وجوب آن، شرط عصمت و تمایز آن از رهبری سیاسی محض تأکید دارند (ر.ک: ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ق، ص ۱۰؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۹ق، صص ۳۴-۳۶؛ حلی، ۱۳۸۲ش، ص ۴۹۰). ازاین‌رو، حذف این مبانی، به ارائه تصویری ناقص از امامت در اندیشه امامیه می‌انجامد.

ب) تقلیل اغراض امامت به مقاومت در برابر حکومت‌های اموی و عباسی

هالم در بحث اغراض امامت، بر اغراض عملی تمرکز می‌کند و وظایف امام را تا حد وظایف یک رهبر حزبی یا سیاسی فرومی‌کاهد. وی از ویژگی‌های الهی، معنوی و ویژه امام، که در منابع شیعه مطرح شده‌اند، به‌آسانی عبور می‌کند و نقش امام را در هدایت معنوی، تبیین شریعت و وساطت فیض الهی نادیده می‌گیرد (ر.ک: هالم، ۱۳۸۵ش، ص ۲۵).

نقد دیدگاه

شریعت پیامبر اکرم (ص)، برای همه انسان‌ها، از عصر رسالت تا پایان دنیا، حجت و لازم‌الاتباع است. بر این اساس، باید پس از پیامبر (ص)، به‌درستی حفظ و برای دیگران تبیین شود. این هدف، تنها با قرآن، سنت پیامبر و اجماع مسلمانان محقق نمی‌شود؛ زیرا قرآن و سنت پیامبر (ص)، برای تبیین تمام جزئیات احکام شریعت، به مفسر و مبیّن معصوم نیاز دارند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۴۷).

امامت در اندیشه شیعی، امتداد نبوت در حوزه هدایت تشریعی و سرپرستی امت است. امام، حجت خدا بر زمین است؛ زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نیست و به وجود او پابرجاست و او امان اهل زمین است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۹۴). عصمت و علم امام، برای تبیین صحیح احکام و هدایت افراد ضروری است. ازاین‌رو، وجود امام معصوم پس از پیامبر (ص)، برای تبیین دقیق احکام اسلام، اجرای صحیح شریعت و تحقق کامل اهداف بعثت ضرورت دارد.

هالم در تحلیل خود، امامان شیعه را عمدتاً به‌عنوان چهره‌های مقاومت در برابر حکومت‌های اموی و عباسی تصویر می‌کند و می‌نویسد:

«تنفر مذهبی دیرینه مسلمانان صدر اسلام از خاندان اموی که تا چندی پیش از آن مشرک و نیز تشنه قدرت بودند، موجب شد که آنان با مبارزان قبایل عراقی دست‌به‌دست یکدیگر دهند و با حکومت شام مقابله کنند. فرزند دوم علی (ع)، امام حسین (ع)، مدعی مناسبی برای ورود به صحنه مبارزه با امویان تلقی می‌شد» (هالم، ۱۳۸۵ش، ص ۴۱).

محدود کردن نقش امامان شیعه به مقاومت در برابر حکومت‌های اموی و عباسی، با تلقی امامیه از امامت سازگار نیست؛ زیرا از منظر امامیه، قیام امام حسین (ع) برای احیای دین و امر به معروف و نهی از منکر بود، نه صرفاً مقابله با حکومت اموی یا تلاش برای کسب قدرت.

آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند:

«امام حسین قیام کرد تا آن واجب بزرگی که عبارت است از تجدیدِ بنای نظام اسلامی و جامعه اسلامی یا قیام در مقابل انحرافاتِ بزرگ در جامعه اسلامی، این را انجام بدهد» (صهبا، ۱۳۹۰ش، ص ۲۲۷).

مبارزات امام حسن و امام حسین (ع) در برابر حکومت امویان، برخاسته از مسئولیت‌های الهی و جایگاه رفیع امامت آنان بود. این مجاهدت‌ها، در مسیر تحقق اهداف بعثت نبوی، اصلاح جامعه اسلامی و اقامه احکام الهی انجام می‌شد. همین اصول و مبانی، اساس تقابل ائمه معصوم (ع) با حاکمان اموی و عباسی را تشکیل می‌داد.

ج) کاستن ویژگی‌های امام به رهبری سیاسی

امامیه برای امام، ویژگی‌هایی مانند عصمت، علم لدنی، افضلیت در فضایل اخلاقی و علمی و حجت الهی بودن قائل است که او را از هر رهبر سیاسی یا اجتماعی متمایز می‌کند.

در دیدگاه امامیه، امام، علاوه بر رهبری سیاسی، وظیفه هدایت خلق، حفظ و تبیین شریعت، تعلیم احکام و گسترش عدالت را بر عهده دارد و این امور، با عصمت و علم ویژه امام ارتباط دارند. هالم، با وجود اشاره به عقاید شیعه در این باره، این ابعاد را به حاشیه می‌راند و ویژگی‌های یادشده را نادیده می‌گیرد یا بسیار کم‌رنگ نشان می‌دهد.

وی درباره صلح امام حسن (ع)، بدون توجه به ویژگی عصمت امام، می‌نویسد:

«کناره‌گیری وی از جنگ از طریق دریافت مبلغ معتنابهی پول و واگذاری درآمدهای مالیاتی یک استان ایرانی میسر شد و بعد از اشغال کوفه به دست معاویه، امام حسن (ع) نیز در مسجد آن شهر حضور یافت و علناً به نفع امویان از دعوی خلافت خود چشم پوشید. وی عراق را ترک کرد و تا زمان وفاتش همچون مالکی بزرگ و ثروتمندی مشهور، در مدینه زندگی کرد و بیش از همه به دلیل ازدواج‌های متعددش که او را به "المطلاق" ملقب کرد، به کثرت فرزندان شهرت یافت» (هالم، ۱۳۸۵ش، ص ۳۹).

نقد دیدگاه

عبارت هالم درباره صلح امام حسن (ع)، با مبنای عصمت امام و گزارش‌های تاریخی مورد استناد امامیه سازگار نیست. در منابع امامیه، صلح امام حسن (ع)، اقدامی در چارچوب تکلیف الهی و برای حفظ اسلام معرفی شده است. نویسنده، در این تحلیل، به ضعف نیروهای امام و خیانت سران کوفه اشاره نمی‌کند؛ درحالی‌که این عوامل، در پذیرش صلح مؤثر بودند.

امام حسن (ع) در خطبه‌ای فرمودند:

«وَاللَّهِ مَا سَلَّمْتُ الْأَمْرَ إِلَيْهِ إِلَّا أَنِّي لَمْ أَجِدْ أَنْصَارًا، وَلَوْ وَجَدْتُ أَنْصَارًا لَقَاتَلْتُهُ لَيْلِي وَنَهَارِي حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ».

«به خدا سوگند، حکومت و زمامداری را به معاویه واگذار نکردم، مگر به این علت که یارانی برای جنگ با او نیافتم. اگر یارانی داشتم، شب و روز با او می‌جنگیدم تا خداوند میان من و او حکم کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۱۴۷).

هالم همچنین به دریافت مال فراوان از معاویه در ازای صلح اشاره می‌کند. رسول جعفریان، پژوهشگر تاریخ، با استناد به برخی منابع تاریخی، شروط مالی صلح‌نامه را در گزارش‌های مختلف صحیح نمی‌داند و می‌نویسد:

«شاهد مهم آن است که وقتی امام شنید که عبدالله بن نوفل خود چنین شرطی را با معاویه در میان گذاشته، برآشفت و فرمود: معاویه نمی‌تواند در بیت‌المال مسلمانان تعهدی را برای من بپذیرد» (جعفریان، ۱۳۸۱ش، صص ۱۶۱-۱۶۲).

وصف امام حسن (ع) به‌عنوان «مالک بزرگ و ثروتمند»، پس از بیان دریافت پول و واگذاری درآمدهای مالیاتی یک استان ایرانی در قبال صلح با معاویه، شائبه ثروت‌اندوزی را القا می‌کند. این در حالی است که امام حسن (ع)، به‌دلیل کرامت اخلاقی و سخاوت، به «کریم اهل‌بیت» شهرت داشته‌اند، نه ثروت‌اندوزی. روایت شده است:

«امام حسن (ع) در طول عمر خود، دو مرتبه تمامی دارایی‌ها و اموال خویش را در راه خدا انفاق کردند و سه بار ثروت خود را به دو نیم تقسیم کردند و نیمی از آن را در راه خدا بخشیدند» (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹ش، ج ۴، ص ۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۳۹).

نویسنده به ازدواج‌ها و طلاق‌های مکرر حضرت نیز اشاره می‌کند. در برخی بررسی‌ها، تعداد همسران امام (ع)، حداکثر ده تا پانزده نفر ذکر شده و برای این ازدواج‌ها، دلایل سیاسی یا اجتماعی، مانند حمایت از بیوه‌زنان جنگ‌ها، مطرح شده است. همچنین، گفته شده است که سیاستمداران اموی، به‌ویژه معاویه، برای تخریب چهره امام حسن (ع)، ایشان را فردی «مطلاق»، یعنی بسیار طلاق‌دهنده، معرفی کردند تا افکار مسلمانان را نسبت به آن حضرت بدبین سازند (پیشوایی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۲).

در برخی روایات، این موضوع مطرح شده است؛ بااین‌حال، در نقد این نقل‌ها گفته شده که آن‌ها با شأن، منزلت و مقام امام حسن مجتبی (ع) سازگار نیستند. بیشتر این گزارش‌های تاریخی از سه مورخ نقل شده است که کتاب‌های خود را در دوران حکومت بنی‌عباس نوشته‌اند. همچنین، این احتمال مطرح شده است که منصور عباسی، برای خنثی کردن شورش حسنی‌ها، این اتهام را طرح کرده باشد. روایات یادشده، از نظر سند ضعیف دانسته شده‌اند و دلالت آن‌ها نیز در نسبت با مبنای عصمت امام (ع) نقد شده است (طبسی، ۱۳۸۲ش، صص ۱۵-۲۳).

هالم درباره سایر ویژگی‌های امام، مانند علم لدنی و افضلیت، موضع صریحی اتخاذ نمی‌کند و به این ابعاد اساسی امامت در اندیشه شیعه، به‌طور تفصیلی نمی‌پردازد.

۳ـ۲. دیدگاه‌های هالم درباره امامت خاصه و نقد آن‌ها

الف) نادیده گرفتن انتصاب الهی امام

هالم درباره انتصاب رهبر مسلمانان پس از پیامبر (ص) از سوی خداوند سخنی به میان نمی‌آورد و تعیین او را به انتخاب مردم وابسته می‌دلند. به باور وی، پیامبر اکرم (ص)، جانشین معینی برای رهبری امت تعیین نکرده‌لند و نظریه «نص»، که در لندیشه شیعی جایگاهی محوری دارد، محصول تحولات تاریخی پس از رحلت ایشان است (هالم، ۱۳۸۵ش، صص ۲۸-۲۹). وی در بخشی از کتاب خود می‌نویسد:

«حضرت محمد (ص) هیچ پسر و وارث خلافتی از خود بر جای نگذاشته بود... و برای هدایت آینده امت اسلامی حکمی از خود بر جای نگذاشت» (همان، ص ۲۵).

نقد دیدگاه

امامیه، با استناد به دلایل عقلی و نقلی، امامت را منصبی الهی می‌داند. از دلایل عقلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- امام باید از هرگونه خطا و گناه معصوم باشد و عصمت، امری پوشیده است که جز خداوند کسی از آن آگاه نیست (حلی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۸۷؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۵ق، ص ۳۳۶).
- امام باید به همه احکام و معارف الهی عالم باشد و چیزی از آن‌ها بر او پوشیده نباشد. تشخیص چنین علمی در یک فرد، جز از راه نص ممکن نیست (علم‌الهدی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷).
- امام باید از نظر دیانت، پرهیزکاری، علم و سیاست، برترین فرد زمان خود باشد. تشخیص کامل این امور برای مردم ممکن نیست؛ بنابراین، باید از سوی خداوند، که به ظاهر و باطن آگاه است، منصوب شود (حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۰۱).

از دلایل نقلی نیز می‌توان به آیه زیر اشاره کرد:

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴).

«به خاطر آورید هنگامی را که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به‌خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم عرض کرد: از دودمان من نیز امامانی قرار بده. خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد».

در تفسیر امامیه، جمله «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» به‌صراحت نشان می‌دهد که نصب به مقام امامت، به دست خداوند است، نه انسان؛ زیرا خداوند در این جمله، جعل امامت را به خود نسبت داده است. همچنین، از جمله پایانی آیه استفاده شده است که تنها آن دسته از فرزندان ابراهیم که پاک و معصوم‌اند، شایستگی این مقام را دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۷۵؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۴۴۵).

متکلمان امامیه همچنین برای اثبات امامت امیرالمؤمنین (ع)، به آیات ۳، ۵۵ و ۶۷ سوره مائده استناد می‌کنند (حلی، ۱۳۷۹ش، صص ۱۱۵-۱۱۸).

ب) نادیده گرفتن معرفی امام و ادعای تدریجی بودن اعتقاد به امامان دوازده‌گانه

هالم، معرفی امامان از طریق روایات را در تحلیل خود نادیده می‌گیرد. وی واقعه غدیر خم را در چارچوبی سیاسی تحلیل می‌کند و آن را نه اعلان جانشینی الهی امام علی (ع)، بلکه حمایتی مقطعی از سوی پیامبر (ص) تفسیر می‌نماید. او می‌نویسد:

«نقل است که پیامبر (ص) در بازگشت از حجةالوداع، در هجدهم ذی‌الحجه، در غدیر خم، نیمه راه مکه و مدینه، در برابر زائرانی که توقف کرده بودند، دست علی (ع) را بالا گرفت و چنین گفت: "من کنت مولاه فعلی مولاه". شیعیان این کلمات را به معنی تعیین نص علی (ع) بر جانشینی پیامبر (ص) تعبیر می‌کنند. بنابر احادیث شیعیان، کسانی از اصحاب پیامبر (ص) که در آنجا حضور داشتند، از جمله عمر که بعداً خلیفه شد، در آن زمان به علی (ع) تبریک گفتند و او را با لقب "امیرالمؤمنین" خطاب کردند. گفتار پیامبر (ص) در غدیر خم در احادیث اهل‌سنت نیز نقل شده است؛ ولی توسط آنان به‌گونه دیگری تعبیر و چنین ادعا می‌شود که پیامبر (ص)، با بیان این عبارت، می‌خواسته است از قدرت تضعیف‌شده حضرت علی (ع)، که سببش جدی بودن وی و در نتیجه از دست دادن وجهه عمومی او بود، پشتیبانی کند. منظور پیامبر (ص) از بیان این سخن در غدیر خم هرچه بوده، تعیین جانشین نبوده است» (هالم، ۱۳۸۵ش، صص ۲۸-۲۹).

نقد دیدگاه

مفاد حدیث غدیر، با توجه به شرایط مکانی و زمانی، قرائن موجود در روایت و فهم حاضران در واقعه، نشان می‌دهد که مقصود پیامبر (ص)، ولایت و رهبری امیرالمؤمنین (ع) بوده است. علامه امینی می‌نویسد:

«دلیل دلالت حدیث بر امامت، فهم کسانی است که در آن جمع عظیم حاضر بودند و این سخن را دریافتند و نیز فهم کسانی که پس از آن، خبر به آن‌ها رسید؛ کسانی که در زبان عربی مورد استنادند و در میانشان تکبر و انکاری وجود نداشت» (امینی نجفی، تلخیص شفیعی شاهرودی، ۱۴۲۷ق، ص ۶۶).

افزون بر این، امامیه با استناد به حدیث یوم‌الدار، حدیث منزلت، حدیث سفینه، حدیث امان امت، حدیث ثقلین و دیگر روایات، بر امامت امیرالمؤمنین (ع) استدلال می‌کند (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۶ش، صص ۱۵۶-۱۶۲).

هالم درباره تعداد امامان شیعه معتقد است که این تعداد، ابتدا در میان شیعیان محل اختلاف بود و اعتقاد به «دوازده امام»، به‌تدریج در سده‌های سوم و چهارم هجری تثبیت شد. وی در تحلیل شکل‌گیری مذهب دوازده‌امامی می‌نویسد:

«مراحل آغازین ادبیات امامیه و شکل‌گیری مذهب "دوازده‌امامی"، عقیده به اینکه امام دوازدهم در سال ۲۶۰ از نظرها غایب شد، به‌تدریج در قرن چهارم بر سایر تعالیم امامی شیعیان تفوق یافت و در آن زمان بود که "امامی‌ها" به‌صورت دوازده‌امامی (اثناعشریه) درآمدند» (هالم، ۱۳۸۵ش، ص ۸۱).

وی در ادامه می‌نویسد:

«نظریه امامت در تشیع دوازده‌امامی، در اصل بر سخنان نقل‌شده از امام ششم، جعفر صادق (ع)، استوار است؛ اما آیا چنان‌که غالباً فرض می‌شود، امامت واقعاً در زمان آن امام و از طریق وی شکل نهایی خود را یافت یا نه؛ مجموعه حدیث‌های شیعیان دوازده‌امامی تا قرن چهارم انتشار نیافت و قضاوت درباره سخنان فردی نقل‌شده از امامان کاری دشوار است. بیشتر این احتمال وجود دارد که

تصور کلی امامیه از ماهیت امامت، در قرن سوم به‌تدریج شکل گرفت و احتمالاً سرانجام پس از درگذشت امام یازدهم (ع) تثبیت شد» (همان، ص ۶۷).

نقد دیدگاه

این ادعا، با مستندات تاریخی و روایی مورد استناد امامیه سازگار نیست. آیت‌الله صافی گلپایگانی می‌نویسند:

«اخبار بسیاری در کتاب "سلیم بن قیس" هست که امامان و اسامی آن‌ها را به‌صراحت دوازده نفر ذکر می‌کنند و اسامی آن دوازده نفر را از امیرالمؤمنین (ع) تا حضرت مهدی (ع)، به همان ترتیبی که شیعه امامیه قائل است، بیان کرده است. این کتاب که در قرن اول هجری نوشته شده، مورد اعتماد است و مجموعه مطالب آن، حقانیت مذهب امامیه را به‌وضوح ثابت می‌نماید؛ زیرا در آن، خبر از امامت امامانی داده می‌شود که هنوز در آن زمان متولد نشده بودند. به صحت این کتاب، قرائن و امارات محکمی دلالت دارد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱ش، ج ۴، ص ۷۰).

همچنین، در روایاتی که متکلمان امامیه آن‌ها را متواتر می‌دانند، به امامت دوازده امام شیعه، گاه به‌اجمال و گاه به‌تفصیل، تصریح شده است. از جمله، از رسول خدا (ص) نقل شده است که درباره امام حسین (ع) فرمودند:

«هذا ابني إمام ابن إمام أخو إمام أبو أئمة تسعة تاسعهم قائمهم».

«این فرزند من است؛ او امام، فرزند امام، برادر امام و پدر نُه امام است که نهمین آنان، قائم آنان است» (حلی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۳۸؛ همو، ۱۳۷۹ش، ص ۱۷۷).

در منابع اهل‌سنت نیز روایاتی درباره تعداد پیشوایان آمده است و در برخی آثار، اسامی ائمه اثناعشریه مطرح شده است. برای نمونه، در «صحیح بخاری» آمده است:

«جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، فَقَالَ أَبِي: إِنَّهُ قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».

جابر بن سمره می‌گوید: «از پیامبر (ص) شنیدم که فرمودند: دوازده امیر خواهند بود. سپس جمله‌ای فرمودند که نشنیدم. پدرم گفت: پیامبر (ص) فرمودند: همگی از قریش‌اند» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۸۱).

سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی نیز در کتاب «ینابیع المودة» می‌نویسد:

«مراد از این احادیث، دوازده جانشین از اهل‌بیت و عترت او هستند؛ زیرا ممکن نیست این حدیث را بر خلفای نخستین حمل کرد، چون آنان بیش از چهار نفر نیستند. همچنین، بر بنی‌امیه و بنی‌عباس تطبیق نمی‌شود؛ زیرا آنان از دوازده نفر بیشترند و پیامبر (ص) فرموده است تمام دوازده نفر از بنی‌هاشم‌اند. بنابراین، حدیث فقط بر دوازده امامی که از اهل‌بیت و عترت پیامبر (ص) بوده‌اند، قابل تطبیق است؛ زیرا آنان از نظر علم و دانش، از همه دانشمندتر؛ از نظر زهد و تقوا، از همه زاهدتر؛ و از نظر حسب و نسب، از همه عالی‌ترند. آنان کسانی هستند که علوم و دانش‌های خود را به وراثت از جد خود، رسول خدا، به دست آورده‌اند» (قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، صص ۲۹۲-۲۹۳).

هالم همچنین ادعا می‌کند که درباره امامت برخی از پیشوایان شیعه، مانند امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، در دوران حیاتشان تردید وجود داشته است (ر.ک: هالم، ۱۳۸۵ش، ص ۶۶).

در نقد این ادعا، می‌توان به روایات مربوط به تعداد و اسامی ائمه معصوم (ع) استناد کرد. افزون بر آن، امام سجاد (ع) و امام باقر (ع)، بر امامت امام پس از خود تصریح کرده‌اند و جانشین خویش را برای شیعیان مشخص ساخته‌اند. روایات فراوانی در این زمینه نقل شده است (ر.ک: خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، صص ۲۳۶-۲۵۰). ازاین‌رو، وجود تردید در میان برخی افراد، به‌تنهایی برای نفی معرفی امام یا اثبات پیدایش متأخر این اعتقاد کافی نیست.

۴. نتایج تحقیق

یافته‌های پژوهش را می‌توان در سه محور جمع‌بندی کرد:

۴ـ۱. دیدگاه امامیه درباره امامت

شیعه امامیه در بحث امامت عامه معتقد است که امامت، از مصادیق لطف الهی و واجب علی‌الله است. اغراض عملی امامت شامل حفظ نظام اجتماعی مسلمانان، برقراری عدالت و اجرای احکام اسلامی است. اغراض علمی نیز تبیین و حفظ شریعت و هدایت امت را در بر می‌گیرد. امام، برای تحقق این اغراض، باید دارای ویژگی‌های عصمت، اعلمیت و افضلیت باشد.

در بحث امامت خاصه نیز امامیه، تعیین امام را مبتنی بر نصب الهی می‌داند و برای شناخت آن، به نص و معجزه استناد می‌کند. تعداد و اسامی امامان نیز، بر اساس دیدگاه متکلمان امامیه، در روایات متواتر بیان شده است.

۴ـ۲. دیدگاه هالم درباره امامت عامه و نقد آن

- هالم، در تحلیل خود، جایگاه امامت را به پدیده‌ای سیاسی ـــ اجتماعی تقلیل می‌دهد و مبانی الهی آن را لحاظ نمی‌کند. این دیدگاه، با استناد به قاعده لطف و حکمت الهی نقد شد.

- وی بر اغراض عملی امامت تمرکز می‌کند و نقش امامان را تا حد مقاومت در برابر حکومت‌های اموی و عباسی فرومی‌کاهد. این دیدگاه، با توجه به ضرورت وجود امام برای تبیین احکام اسلام، تحقق کامل اهداف بعثت و نقش قیام و مبارزه امامان در حفظ دین، نقد شد.

- هالم، ویژگی‌های عصمت، اعلمیت و افضلیت را در تحلیل خود از رفتار امامان به‌طور کافی لحاظ نمی‌کند و با رویکردی تقلیل‌گرایانه، بر رهبری سیاسی آنان تأکید می‌ورزد. این تحلیل، با توجه به نقش ویژگی‌های یادشده در هدایت خلق، حفظ و تبیین شریعت و گسترش عدالت، نقد شد.

۴ـ۳. دیدگاه هالم درباره امامت خاصه و نقد آن

- هالم، نصب الهی امام را در تحلیل خود نمی‌پذیرد و جانشینی پیامبر (ص) را در چارچوب تعیین و انتخاب مردم بررسی می‌کند. این دیدگاه، با استناد به دلایل عقلی، آیات قرآن و روایات مربوط به امامت نقد شد.

- وی، واقعه غدیر را معرفی امام علی (ع) به‌عنوان جانشـــین پیامبر (ص) نمی‌داند و اعتقاد به دوازده‌گانه بودن امامان را تدریجی تلقی می‌کند. این دیدگاه، با توجه به قرائن حدیث غدیر، دیگر روایات امامت و مسـتندات تاریخی و روایی منابع شیعی و برخی منابع اهل‌سنت، نقد شد.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه/رساله: این مقاله برگرفته از رساله/پایان نامه نمی باشد

منابع

ابن‌ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). الغیبة للنعمانی. تهران، چاپ اول.

ابن‌بابویه، علی بن حسین (۱۳۶۳ش). الإمامة و التبصرة من الحیرة. تحقیق مدرسه امام مهدی (عج). قم: مدرسة الإمام المهدی (ع)، چاپ اول.

ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲ش). متن و ترجمه کمال‌الدین و تمام النعمة. ترجمه منصور پهلوان؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: مؤسسه علمی ـ فرهنگی دارالحدیث، بی‌چا.

ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۸ق). الهدایة فی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام هادی (ع)، چاپ اول.

ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). الاعتقادات. قم: کنگره شیخ مفید، چاپ دوم.

ابن‌شهرآشوب (۱۳۷۹ش). مناقب آل أبی‌طالب. تحقیق و تصحیح محمدحسین آشتیانی و هاشم رسولی. قم: علامه، چاپ اول.

ابن‌فارس، ابوالحسین (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. بی‌جا: دارالفکر، بی‌چا.

ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر، چاپ سوم.

ابن‌نوبخت (۱۴۱۳ق). الیاقوت فی علم الکلام. تحقیق علی‌اکبر ضیایی. قم: مکتبة آیة‌الله العظمی المرعشی النجفی، چاپ اول.

امینی نجفی، عبدالحسین (۱۴۲۷ق). تلخیص الغدیر. تلخیص و تحقیق محمدحسن شفیعی شاهرودی. قم: سنابل، چاپ اول.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق). الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و سننه و أیامه (صحیح بخاری). دمشق: دار طوق النجاة، چاپ اول.

بعلبکی، منیر (۲۰۰۸م). المورد الحدیث. بیروت: دارالعلم للملایین، بی‌چا.

پیشوایی، مهدی (۱۳۹۰ش). زندگی امام حسن مجتبی (ع): پرچمدار صلح و آزادی. قم: نسل جوان، چاپ یازدهم.

جعفریان، رسول (۱۳۸۱ش). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع). قم: انصاریان، چاپ ششم.

جعفریان، رسول (۱۳۸۲ش). تاریخ سیاسی اسلام: سیره رسول خدا (ص). قم: دلیل ما، چاپ دوم.

حسینی میلانی، علی (۱۳۷۲ش). الإمامة فی أهم الکتب الکلامیة و عقیدة الشیعة الإمامیة. قم: الشریف الرضی، بی‌چا.

حسینی میلانی، علی (۱۳۸۹ش). جواهر الکلام فی معرفة الإمامة و الإمام. قم: مرکز الحقائق الإسلامیة، چاپ اول.

حلی، جعفر بن حسن (۱۳۷۳ش). المسلک فی أصول الدین. تحقیق رضا استادی. مشهد: آستان قدس رضوی، مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ اول.

حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۰ش). الباب الحادی عشر. شرح فاضل مقداد؛ تحقیق مهدی محقق. مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۶ق). تسلیک النفس إلی حظیرة القدس. تحقیق فاطمه رمضانی. قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع)، چاپ اول.

حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۲ش). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: قسم الإلهیات. قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع)، بی‌چا.

خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی‌عشر. تحقیق عبداللطیف حسینی کوهکمری. قم: بیدار، بی‌چا.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق ـ بیروت: دارالعلم، الدار الشامیة، چاپ اول.

رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۰ش). قرآن‌پژوهی خاورشناسان. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۶ش). منشور عقاید امامیه. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول.

سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۷ش). دانشنامه کلام اسلامی. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۱ش). سلسله مباحث امامت و مهدویت. تلخیص و ترجمه لطیف راشدی. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، بی‌چا.

صهبا (۱۳۹۰ش). حلقات انسان ۲۵۰ساله؛ حلقه دوم. قم: مؤسسه ایمان جهادی، چاپ اول.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷ش). تعالیم اسلام. تصحیح هادی خسروشاهی. قم: بوستان کتاب، چاپ اول.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.

طبسی، محمدجواد (۱۳۸۲ش). «امام حسن مجتبی (ع) و افسانه طلاق». فرهنگ کوثر، شماره ۵۳، صص ۱۵-۲۳.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). الاقتصاد الهادی إلی طریق الرشاد. تهران: مکتبة چهل‌ستون العامة و مدرستها.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶ق). الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد. بیروت: دارالأضواء، چاپ دوم.

علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۴۰۷ق). الشافی فی الإمامة. تحقیق عبدالزهراء حسینی؛ تصحیح فاضل حسینی میلانی. تهران: مؤسسة الصادق (ع)، چاپ دوم.

علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۴۱۱ق). الذخیرة فی علم الکلام. تحقیق احمد حسینی اشکوری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول.

علم‌الهدی، علی بن حسین (۱۴۱۹ق). المقنع فی الغیبة. بیروت: مؤسسة آل‌البیت (ع) لإحیاء التراث، چاپ اول.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۸۰ش). اللوامع الإلهیة فی المباحث الکلامیة. تحقیق محمدعلی قاضی طباطبایی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۵ق). إرشاد الطالبین إلی نهج المسترشدین. تحقیق مهدی رجایی. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). العین. قم: منشورات الهجرة، بی‌چا.

قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق). ینابیع المودة لذوی القربی. قم: دارالأسوة للطباعة و النشر، چاپ بیست‌ودوم.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالأنوار. بیروت: دارإحیاء التراث العربی، چاپ سوم.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶ش). حق‌الیقین. تهران: اسلامیه، چاپ پنجم.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). سلسلة مؤلفات الشیخ المفید: النکت الاعتقادیة. تحقیق علی میرشریفی. بیروت: دارالمفید، چاپ دوم.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ دهم.

موسوی، سیده منا؛ بهشتی مهر، احمد (۱۳۹۹ش). «بررسی و نقد دیدگاه هالم در مسئله پیدایش شیعه و تشیع». شیعه‌شناسی، شماره ۷۲، صص ۸۳-۱۱۰.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۷ق). تجرید الاعتقاد. تحقیق محمدجواد حسینی جلالی. تهران: مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر، چاپ اول.

هالم، هاینس (۱۳۸۵ش). تشیع. ترجمه محمدتقی اکبری. قم: نشر ادیان، چاپ اول.